



کیبوتص، آینه تمام‌نمای یک جامعه عبری

صهیونیسم، با خلوص ۹۹٫۹ درصد!



محمد علی یزدانیار

کیبوتص برای خیلی از روشنفکران آن چیزی است که یک جامعه سالم، مدرن، آرمانی و درجه یک باید باشد. علاقه به این سبک از زندگی چنان زیاد بود که حتی جلال آل‌احمد راهم شیفته خود کرده بود. مدت‌های مدید است که کیبوتص‌ها، با اینکه گستردگی زیادی در اسرائیل ندارند اما به عنوان «اسرائیلی‌ترین چیز اسرائیلی» به جهانیان عرضه می‌شوند. بر همین اساس هم بهتر است نگاهی داشته باشیم به کیبوتص و بینیم که واقعاً چه خبر است؟

کیبوتص چیست؟

کیبوتص یک سکونتگاه جمعی اسرائیلی است که معمولاً کشاورزی و اغلب صنعتی نیز می‌باشد و در آن تمام ثروت به صورت مشترک نگهداری می‌شود. سودها پس از تأمین نیازهای غذایی، پوشاک و مسکن و همچنین خدمات اجتماعی و پزشکی برای اعضا، دوباره در سکونتگاه سرمایه‌گذاری می‌شوند. بزرگ‌ترها دارای اتاق‌های خصوصی هستند، اما کودکان معمولاً به صورت گروهی نگهداری و مراقبت می‌شوند. آشپزی و غذا خوردن به صورت مشترک انجام می‌شود. از زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸، سکونتگاه‌ها به سمت حریم خصوصی بیشتر در مورد افراد و اموال پیش رفته‌اند. کیبوتص‌ها که معمولاً روی زمین‌های اجاره‌ای از صندوق ملی یهودیان تأسیس می‌شوند، هر هفته جلسات عمومی برگزار می‌کنند که در آن اعضای کیبوتص سیاست‌ها را تعیین و اعضای اداری خود را انتخاب می‌کنند. اولین کیبوتص، که در سال ۱۹۱۰ تأسیس شد، دگنیان نام داشت. امروزه، کشاورزی تا حدی توسط سایر شاخه‌های اقتصادی، از جمله کارخانه‌های صنعتی و شرکت‌های فناوری پیشرفته، جایگزین شده‌است.

اساس تشکیل کیبوتص‌ها چیست و آن‌ها چه ارزش‌ها و رویکردهایی دارند؟

امروز در مجموع ۲۷۰ کیبوتص وجود دارد که جمعیتی حدود ۱۴۰۰۰ نفر دارند که کمتر از ۲ درصد کل جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهد. اندازه کیبوتص‌ها از کیبوتص‌های کوچک با کمتر از ۱۰۰ عضو تا کیبوتص‌های بزرگ‌تر با حدود ۸۰۰ عضو و حتی جمعیتی بیش از ۱۴۰۰ نفر متغیر است. ارزش‌های اصلی که کیبوتص‌ها در ابتدا براساس آن‌ها شکل گرفتند عبارتند از: ۱. برابری میان اعضا، ایجاد محیطی که در آن اعضا نیازهای خود را از جامعه دریافت کنند و هر فرد بر اساس توانایی خود به آن کمک کند؛ ۲. مالکیت مشترک، شامل مالکیت مشترک بر وسایل تولید و مصرف؛ ۳. مسئولیت متقابل؛ ۴. دموکراسی مستقیم در حکومت محلی و اجرای چرخش در تمامی سمت‌ها؛ ۵. کار خودخوانده (یعنی بدون کارگران استخدامی). که ناشی از ایده سوسیالیستی عدم استثمار کارگران استخدامی است. اعضای کیبوتص باید تمامی نیازهای مربوط به اداره یک جامعه را با کار خود تأمین کنند؛ در عمل، اعضای کیبوتص بودجه‌های برابر و افزونه‌های ویژه برای نیازهای فردی دریافت می‌کنند، اعضا به صورت مشترک مالک و اداره‌کننده دارایی‌های کیبوتص هستند. در پروژه‌های اقتصادی متعلق به کیبوتص به صورت مشترک کار می‌کنند، وعده‌های غذایی خود را در سالن‌های غذاخوری مرکزی صرف می‌کنند، فرزندان خود را در مراکز مشترک برای کودکان که همچنین به عنوان خوابگاه عمل می‌کنند، بزرگ می‌کنند و در خانه‌های متعلق

به کیبوتص زندگی می‌کنند. اقتصاد کیبوتص‌ها در ابتدا بر پایه کشاورزی بود؛ امروز کیبوتص‌ها عمدتاً به صنعت وابسته‌اند و بسیاری از اعضا به طور متوسط ۳۰ درصد در خارج از کیبوتص کار می‌کنند. ترتیب خواب مشترک کودکان لغو شده و کودکان در خانه‌های والدین خود می‌مانند. روش توزیع کالاها به اعضا به تدریج تغییر کرده است. به طوری که در دهه ۱۹۷۰، زمانی که وضعیت اقتصادی کیبوتص‌ها رونق داشت، «بودجه جامع» جایگزین «بودجه شخصی کوچک» شد. بعداً، در بسیاری از کیبوتص‌ها در دهه ۱۹۸۰، مبلغی به اعضا داده شد. اما تغییرات اساسی تر در پایان دهه ۱۹۸۰، پس از یک بحران اقتصادی که بحران‌های جمعیتی و ایدئولوژیکی را به وجود آورد، اتفاق افتاد. تغییرات به سمتی پیش رفت که منجر به دگرگونی عمیق در اکثر کیبوتص‌ها شد. نوع جدید کیبوتص، که به آن «کیبوتص تازه» گفته می‌شود، بر اساس حقوق متفاوت، مالکیت خصوصی دارایی‌های کیبوتص و مالکیت خصوصی مسکن استوار است.

کیبوتصی‌ها چه رویکرد سیاسی‌ای داشتند؟

کیبوتص به بخشی از جریان سوسیالیستی جنبش صهیونیستی بود، نتوانست به عنوان پیشگام برای ایجاد یک جامعه یهودی جدید در فلسطین که براساس ایده‌های آرمان‌گرایانه‌اش عمل کند، موفق شود و هرگز به قدرت سیاسی قابل توجهی در اسرائیل تبدیل نشد. به عبارت دیگر، موفقیت کیبوتص به عنوان یک آرمان شهر تنها به حوزه اجتماعی محدود بود و نه به حوزه سیاسی؛ و دستاوردهای اجتماعی آن هاتقریباً به طور انحصاری به خود کیبوتص‌ها محدود می‌شد و تنها به طور جزئی و غیرمستقیم به جامعه گسترده‌تر سرایت می‌کرد. اعضای کیبوتص مارکسیست‌های کلاسیک نبودند، هرچند که سیستم آن‌ها تا حدی به کمونیسم شباهت داشت. با این حال، در اواخر دهه ۱۹۳۰، دو رهبر کیبوتص، تابنکین و یعاری، که در ابتدا به ایده‌های آنارشیستی جذب شده بودند، جنبش‌های خود را احترام به دیکتاتوری یوزف استالین و استالینی که بسیاری او را ششم‌ها عمامیم (خورشید ملل) می‌نامیدند، سوق دادند.

اصلاً چرا کیبوتص‌ها شکل گرفتند؟

از منظر تاریخی بسیاری از این کیبوتص‌ها توسط جوانان یهودی از اروپای شرقی تشکیل شدند که به مأموریت صهیونیستی برای ایجاد یک میهن یهودی در فلسطین، که روزگاری بخشی از امپراتوری عثمانی و بعداً تحت کنترل انگلیس بود، اعتقاد داشتند. گروهی دیگر برای فرار از یهودی ستیزی و بعداً هولوکاست به اینجا آمدند. آبرامیتسکی، که همچنین کتاب «راز کیبوتص: اصول برابری خواهانه در دنیای سرمایه‌داری» را نوشته است، گفت: «کیبوتص برای آن‌ها بیشتر مانند یک خانواده گسترده بود. آن‌ها شبک‌های ایمنی برای اعضای خود فراهم می‌کردند.» همچنین اعضای این واحدهای خواستند خاک سرزمین باستانی خود را با پس گیرند و روش زندگی جدیدی را آغاز کنند.

کیبوتص‌ها و دو ویژگی مهم!

در تضادی کامل بین واقعیت و افسانه، کیبوتص‌ها می‌توان به عنوان خالص‌ترین تجلی ایده‌های صهیونیسم و جامعه‌ای که ایجاد کرده است، در نظر گرفت. بررسی کیبوتص به آن‌گونه که واقعاً هست، تصویری از آنچه که جامعه اسرائیل می‌تواند شود، ترسیم خواهد کرد. دو جنبه ناشناخته کیبوتص، یکی نژادپرستی

آن است که بسیار بیشتر از سایر بخش‌های جامعه اسرائیل است و همچنین نقش پررنگی که آنان در ارتش اسرائیل دارند. به جز یک مورد استثنا، شهروندان غیریهودی اسرائیلی نمی‌توانند عضو کیبوتص باشند. با این حال، آن‌ها می‌توانند کارگر باشند، به ویژه در مشاغل پایین دست مانند جمع‌آوری زباله، بسیاری از کیبوتص‌ها متوجه شده‌اند که برداشت پنبه زمانی که توسط زنان فلسطینی با دستمزدهای پایین انجام شود، ارزان‌تر از استفاده از کمباین‌های مدرن است. آن‌ها به زنانی که این کار را انجام می‌دهند نام تحقیرآمیز، زن ستیزانه و نژادپرستانه «کمباین فاطیما» داده‌اند؛ این اصطلاح در دهه اخیر به بخشی از زبان محاوره‌ای عبری تبدیل شده است.

تنها یک شهروند غیریهودی اسرائیلی وجود دارد که عضو یک کیبوتص است. او دروزی است و عضو کیبوتص سد بکر می‌باشد، کیبوتصی که بن‌گوریون در آن زندگی‌اش را به پایان رساند. در حین خدمت در ارتش اسرائیل، او و یک دروزی دیگر در این کیبوتص مستقر شدند. هر دو درخواست کردند که عضو آن شوند. شرایط زیر تعیین شد: تلاش نکردن برای ازدواج با یک دختر یهودی قبل از تغییر دین به یهودیت، رعایت تعطیلات یهودی، عدم جلب توجه در رعایت مراسم دروزی و چندین شرط مشابه دیگر. یکی از دروزی‌ها از پذیرش این شرایط تحقیرآمیز خودداری کرد. دیگری آن‌ها را پذیرفت و به این ترتیب او تنها غیریهودی اسرائیلی شد که عضو یک کیبوتص است. این مثال‌ها باید برای فهم میزان نژادپرستی اهالی کیبوتص کافی باشد، حالانکه بعدی، یعنی حضور کیبوتصیان در ارتش از این هم جالب‌تر است. تقسیم بندی واقعی در ارتش اسرائیل که توسط مطبوعات عبری و آحاد جامعه در اسرائیل به رسمیت شناخته شده و جدی گرفته می‌شود، بین واحدهای «باکیفیت» و نیروهای «کم‌کیفیت» است. تنها تفاوت واقعی بین این دو دسته از نظر قابلیت در نبرد تهاجمی است. این تفاوت‌ها هیچ‌گونه ارتباطی با نوع واحد نظامی ندارد. به عنوان مثال، واحدهایی از چترپازان وجود دارند که «باکیفیت» هستند و دیگری که «کم‌کیفیت» محسوب می‌شوند. همه کیبوتصی‌ها به عنوان نظامیان «باکیفیت» شناخته می‌شوند؛ آن‌ها بخش بسیار بالایی از سربازان در واحدهای «باکیفیت» را تشکیل می‌دهند و حتی نیروهایی دارند که می‌توان به آن‌ها نام «خیلی زیاد باکیفیت» داد، آن‌ها با این که از نظر عددی کم هستند، اما بیشترین نسبت سربازان باکیفیت را در ارتش اسرائیل دارند و همان‌طور که شما در جریان هستید، «باکیفیت» اینجابه سربازی گفته می‌شود که در قتل عام و کشتار مردم بی‌دفاع و بی‌گناه غیریهودی، تبحر بالایی دارد.

سخن آخر

شاید بهترین تجربه از کیبوتص‌ها متعلق به چامسکی باشد، او که مدتی از این واحدها بازدید و در آن‌ها زندگی کرده بود، به این نکته رسید که حتی برابری و دموکراسی درون گروهی کیبوتص‌ها یک امر واقعی نیست و سران کیبوتص با استفاده از دست‌کاری‌های روانی، نادیده‌انگاری مخالفان و خراب کردن جو کیبوتص برای افرادی که با تصمیم آن‌ها موافق نباشند، تمام اعضای کیبوتص را به نحوی در راستای منافع و اهداف کلی و از پیش مشخص شده کیبوتص نگه می‌دارند. ترکیبی از انگاره‌های کمونی، رویکردهای تندرروانه صهیونیستی، نژادپرستی افراطی و درندگی نظامی به همراه دستکاری‌های روانی، خیلی خیلی اسرائیلی است، نه؟

کیبوتص، از نیروی همبند قدر آرام و بی‌خطر به نظر می‌رسد